

«کودکان، شهروندان خاموش»

«شهروند و حقوق شهروندی»

گسترش و پیچیده تر شدن زندگی، تغییرات بسیاری را در سبک زندگی افراد، در سراسر جهان به وجود آورده است که این مهم منجر به طرح مسائل و مباحث جدید در رابطه با شیوه زندگی اجتماعی، حقوق و تکالیف آنها مطرح ساخته که یکی از آن موارد، "موضوع شهروند و حقوق شهروندی" است و پاسخ به این سوال که شهروند کیست و تفاوت شهروند با شهروند چيست؟ موضوع داغ زندگی امروزی است.

شهروندی (citizenship): از مشتقات شهر (city) است و شهروندی را در قالب پیشرفته ی "شهروندی" می دانند که به باور برخی از کارشناسان، هنگامی که شهروندی به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به "شهروند" ارتقاء می یابند.

شهروندی تاپیش از این در حوزه اجتماعی بررسی می شد، اما پس از آن مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده است، اگرچه امروزه، بسیاری به شهروندی جهانی نیز می اندیشند.

شهروند در نگاه امروزی کاربردها و مفاهیم مختلفی پیدا کرده است. یک شهروند، عضو رسمی یک شهر، ایالت و یا یک کشور است که بالطبع این دیدگاه، حقوق و مسئولیت هایی را برای شهروند در نظر می گیرد که در قانون پیش بینی و تدوین شده است. زیرا از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که بتواند روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را مورد توجه و ساماندهی قرار دهد. از این رو از دیدگاه شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و رعایت اصول و دستیابی به اهداف در انجام وظایف مربوط به آن می باشد. همچنین نحوه اداره امور شهروندی نظارت بر رشد هماهنگ به عنوان مهمترین اصولی است که منشعب از حقوق اساسی کشور بوده و باید بدان توجه نمود. در واقع حقوق شهروندی آمیخته ای است از وظایف و مسئولیت های شهروندان در قبال یکدیگر، شهروندی یا قوای حاکم و مملکت. همچنین به حقوق و امتیازاتی اطلاق می شود که وظیفه تامین آن حقوق بر عهده میران شهری (شهرداری ها)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد که مجموعه این حقوق و مسئولیت ها، "حقوق شهروندی" نامیده می شود.

«پیشینه حقوق شهروندی در ایران»

پیشینه حقوق شهروندی در ایران به حدود یکصد سال قبل بر می گردد. در حقیقت رعایت حقوق شهروندان از ابتدای انقلاب مشروطه آغاز شده و بتدریج باروندی روبرو شد. گسترش یافت. اگر چه با افت و خیزهایی همراه بود و هیچگاه متوقف نشد، اما در هیچ گذاری از تاریخ سرزنده و پویا نبود و تحقق آن پس از یک دوره دراز مدت رکود همزمان با عنایت عده ای از بزرگان روحانی که خواستار اعطای حقوق بیشتری از سوی دستگاه حاکم به مردم بودند با تاسیس عدالتخانه و پس از چندی مجلس شورای ملی توانست گام های ارزشمندی را در جهت احقاق حقوق شهروندی بردارد. به عنوان نمونه ایجاد عدالتخانه، توان دستگاه حاکم را از نظر تعدی به مردم کم کرد و در واقع قضاوت مردم از وضعیت سلیقه ای به وضعیت قانون مند تبدیل نمود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی (ره) در همه پرسی فروردین ۱۳۵۸ شمسی بارای مثبت ۹۸/۲ درصد کسانی که حق رای داشتند، شکل حکومت کشور به جمهوری اسلامی تغییر پیدا کرد و مجلس خبرگان، متشکل از نمایندگان مردم کارتدوین قانون اساسی را بر اساس بررسی پیشنهادی دولت و تمامی پیشنهادهایی که از سوی گروه های مختلف مردم عنوان شده بود در دوازده فصل و یکصد و هفتاد و پنج اصل تدوین و به پایان رساند. البته قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۸ شمسی بازنگری شد و تغییراتی در برخی اصول آن بوجود آمد که در حال حاضر مشتمل بر چهارده فصل و یکصد و هفتاد و هفت اصل می باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی باتکیه بر جهان بینی وایدئولوژی الهی وباشناخت ابعاد وجودی انسان ،حقوقی رابرای فردبرشمرده که باتوجه به آنها می تواند شناخت وبصیرت انسان رابرای ایجادارتباط درست ومنطقی بادولت وهمچنین بادیگر افرادجامعه افزایش دادوموجب سلامت واعتدال جامعه گردید.اگرچه قوه مقننه درجهت تصویب قوانین حقوق شهروندی وقوای مجریه وقضائیه کشور با احیاء داسراها،ایجادشوراهای حل اختلاف ،بحث تکریم ارباب رجوع درادارات و....گامهای خوبی رابرداشته اند،امامهمترین مسئله ،بحث شناخت ورعایت حقوق همه شهروندان جامعه توسط مردم،دولت مردان ونظام های اداری،قضائی و....می باشد که بایدموردتوجه قرارگیرد.

درواقع، مطابق اصل۱۹قانون اساسی"مردم ایران ازهر قوم وقبيله ای که باشند ازحقوق مساوی برخوردارندورنگ،نژاد،زبان وماننداینها سبب امتیاز نخواهد بود".دراصل بیست نیز آمده است:"همه ی افرادملت اعم اززن ومرد یکسان درحمایت قانون قراردارندوازمه ی حقوق انسانی،سیاسی،اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی بارعایت موازین اسلام برخوردارمی باشند."درهمین اصل علاوه برحقوق زن ومادران وخانواده ،از حمایت کودکان بی سرپرست نیز صحبت شده است."حمایت مادران بخصوص دردوران بارداری وحضانت فرزند وحمايت ازکودکان بی سرپرست."

در اصول (۶و۲۲و۲۳و۲۴و۲۶و۲۹و۳۰) در خصوص حق حاکمیت ملت ،اداره کشور بالتکاء به آرای عمومی وآزادی مطبوعات وانتخاب شغل،تامین اجتماعی وآموزش وپرورش رایگان نیز صحبت شده است. اما کودکان در کجای قانون اساسی دیده شده اند مقوله ایست که به آن پرداخته می شود.قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اگر چه کودک راتعریف نکرده است لیکن در اصل بیست ویکم خود از واژه "کودکان بی سرپرست"استفاده نموده که به نظر میرسد باتوجه به اصل چهارم قانون اساسی که "کلیه قوانین ومقررات مدنی ،جزایی،مالی،اقتصادی ،اداری،فرهنگی،نظامی،سیاسی وغیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد واین اصل به اطلاق یاعوم همه ی اصول قانون اساسی وقوانین ومقررات دیگر حاکم است وتشخیص آن برعهده شورای محترم نگهبان است ، اینکه واژه ی "بی سرپرست"چه گروه سنی ازکودکان راشامل می شود تاکنون رویه یکسانی در قوانین ومقررات مشاهده نشده است.لیکن می توان این تعریف رابرای آن درنظرگرفت که کودکی دراین اصل قانون اساسی همان صغیر وطفل شرعی راشامل می شود که به سن بلوغ نرسیده باشد.

کودک کیست؟

ماده یک پیمان نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی سازمان ملل کودک راچنین تعریف میکند:"ازنظر پیمان نامه منظورازکودک هرانسان کمتر از۱۸سال سن است.مگراینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک،سن کمتری تعیین شده باشد."

اماطبق قوانین ایران پایان دوره کودکی، برای امور مختلف ،سنین متفاوتی را در نظر گرفته است،ازجمله درمورد ازدواج پایان کودکی در دختر ۱۳سال ودر پسر ۱۵سال تمام است.

درموردمسائل کیفری پایان کودکی در دختر ۹سال ودر پسر ۱۵سال تمام است.مطابق ماده ۴۹قانون مجازات اسلامی منظور از طفل کسی است که به حدبلوغ شرعی نرسیده است.بلوغ شرعی طبق قانون مدنی در دختر ۹سال ودر پسر ۱۵سال تمام قمری است.درمورد مسایل کارگری ،پایان کودکی در دختر وپسر به یکسان ۱۵سالگی است که طبق قانون کاربه کارگماردن افرادکمتر از ۱۵سال ممنوع می باشد.درموردحقوق سیاسی وشرکت درانتخابات،دوران کودکی در دختر وپسریکسان وباورود به سن ۱۸سالگی پایان می پذیرد ،درموردادخگواهینامه برای وسایل نقلیه موتوری ونیز استخدام کشوری پایان کودکی ۱۸سالگی است.

«کودک و حقوق شهروندی»

مقوله « شهروند » و « حقوق شهروندی» گاه آنقدر کلی مطرح شده است، که این تصور بوجدمی آید که همه شهروندان نیازهای یکسان دارند و یا توانایی آنها برای مطالبه خواسته هایشان برابر است. حال آنکه کودکان به علت برخورداری از ویژگی های خاص، نمی توانند از حقوق خود دفاع و از مزایای آن بهره مند شوند. اگرچه تفاوت دیدگاه به نسبت کودک و بزرگسال در زمینه اجتماعی، سیاسی و دارا بودن نیازها، مطالبات و ویژگی های خاص این رده سنی و معیارهای جهانی برای رشد، پرورش و تفاوت های فرهنگی در نیازسنجی این قشر از جامعه، حساسیت ها و نقطه نظرات متفاوتی را مطرح ساخته، اما اهمیت توجه به حقوق کودک در جوامع بشری را حتی بیشتر نموده و با توجه به همین مولفه ها وجود کنوانسیون حقوقی مستقل برای کودکان ضرورتی اجتناب ناپذیر بوده و در اولین قدم قانونی برای حمایت از حقوق کودک پس از جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۲۴ میلادی به علت پیامدهای جنگ و آسیب هایی که از این راه بر کودکان وارد آمد توسط جامعه بین الملل در ژنو تنظیم شد که بیشتر در زمینه تغذیه، بهداشت، مسکن برای کودکان جنگ زده و آواره و حمایت آنان در برابر آسیب های جسمی و روانی ناشی از جنگ بود. پس از آن در اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب رسید به طور محدود به حقوق کودکان اشاره شد اما وضعیت خاص کودکان و تضییع حقوق آنها به ویژه در مخاصمات مسلحانه و آسیب پذیری این قشر در طول جنگ جهانی دوم، ضرورت توجه به حقوق کودکان و حمایت از آنان را در یک سند مجزا و خاص مشخص کرد. و در سال ۱۹۵۹ میلادی پیش نویس موقت اعلامیه جهانی حقوق کودک توسط کمیسیون حقوق بشر به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل ارائه شد و مورد تصویب قرار گرفت که در واقع اساس و بنیان کنوانسیون حقوق کودک را پی ریزی نمود. اما از آنجا که اعلامیه ۱۹۵۹ میلادی تعهد اجرایی برای دولت های جهان ایجاد نمی کرد و ارزش حقوقی قطعنامه های مجمع عمومی ملل متحد را نداشت و از سوی دیگر جهان به وضوح شاهد تضییع حقوق کودکان بود، به طوریکه گزارش های تکان دهنده ای مبنی بر افزایش استثمار و سوء استفاده از کودکان وجود داشت، دولت لهستان در سال ۱۹۷۸ میلادی ساز و کارهای ویژه برای حمایت از کودکان را مطرح کرد که سرانجام پس از ده سال بحث و گفتگو بین دولت ها، پیش نویس مذکور نوامبر ۱۹۸۹ میلادی طی قطعنامه ای در ۵۴ ماده به تصویب مجمع عمومی رسید و در سال ۱۹۹۰ میلادی با تصویب ۲۰ کشور به مرحله اجرا درآمد. (مصفا، ۱-۵: ۱۳۸۲) و کم کم کشورهای دیگر نیز آن را پذیرفتند؛ به طوری که در سال ۱۹۹۷ میلادی تقریباً تمامی کشورهای جهان به صورت های مختلف-مشروط یا غیرمشروط-آن را مورد تصویب قرار دادند و با تقاضای پذیرفتن آنرا برای سازمان ملل ارسال داشته اند. (قاسم زاده، ۱۳۷۸)

دولت ایران نیز در تاریخ ۱۴ مهر سال ۱۳۷۰ شمسی پیمان جهانی حقوق کودک را امضاء کرد و در اسفند ماه ۱۳۷۲ شمسی به کنوانسیون حقوق کودک ملحق شد. این الحاق مشروط بر آن است که مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم العاریه نباشد. هر چند که در حال حاضر جزء قوانین داخلی مامحسوب می شود. همانطور که می دانیم در اصل بیست و یکم قانون اساسی و هم چنین قوانین مدنی و جزایی کشورمان نیز پاره ای از مقررات حمایتی در این زمینه آمده است.

همچنین با تشکیل وزارت رفاه، هیات دولت به پیشنهاد این وزارتخانه و براساس قانون برنامه چهارم توسعه، آیین نامه کودکان خیابانی را در ۵ فصل، ۲ تبصره به تصویب رساند که در آن رسیدگی به وضعیت کودکان خیابانی بانظارت وزارت رفاه به عهده بهزیستی گذاشته شده است و ۱۱ دستگاه از جمله آموزش و پرورش، صدا و سیما و... با تعریف وظایف با این سازمان همکاری خواهند داشت.

با این مقدمه می توان به این تعریف نیز دست یافت که کودکان شهروندانی هستند که در سکوت به زندگی در شهر می پردازند، آنها هنوز با بسیاری از مسائل اجتماعی پیرامون خود نا آشنا هستند و در ابتدای راه جستجو و کشف محیط زندگی خود قرار دارند. بنابراین حمایت از حقوق این شهروندان کوچک و آموزش مسائل مربوط به زندگی شهری به آنها باید در اولویت کار جامعه قرار گیرد.

«اسلام، کودک و حقوق شهروندی»

حقوق شهروندی هدیه الهی و جزء حقوق ذاتی و فطری انسان محسوب می شود و غیر قابل انتقال بوده و تقسیم ناپذیر است، عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر هستند و جهانی است. زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر فرد در هر مکانی که باشد واز هر رنگ، نژاد، جنس، زبان و مذهبی که باشد استحقاق برخوردار است از آن رادارد و این مفاهیم امروزه جهانی شده و ارزش معنوی پیدا کرده و اما در این میان حقوق کودکان بیش از گروه های دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

امروزه کودکان و نوجوانان در بیشتر نقاط جهان اکثریت جامعه را تشکیل می دهند. با اینکه تا سال ۲۰۰۰ از تعداد افراد جوان در کشورهای پردرآمد کاسته شده و گروه کودکان در کشورهای روبه رشد افزایش چشمگیری داشته، اما این تحولات، سریع بر اوضاع زندگی آنها در همه جا تاثیر گذاشته و همین مساله بر ضرورت توجه کودکان افزوده است. کودکان آسیب پذیرترین گروه جامعه انسانی، نخستین کسانی هستند که در معرض هجوم مستقیم انواع ناگواریها، فشارها و مشکلات ناشی از زندگی بزرگترها قرار می گیرند و آنها را تحمل می کنند.

در آموزه های آسمانی اسلامی، بیشترین مسوولیت در قبال کودک بر دوش والدین است که به آن «حق الولد علی الوالد» می گویند، زیرا کودک، برکت خانه و نعمت و حسنه ای است که خداوند به پدر و مادر ارزانی نموده و از این رو باید جایگاه او را قدر بدانیم.

در اسلام همه کودکان اعم از دختر و پسر حقوق و مزایای معینی دارند، چرا که خداوند می فرماید: «و هرگاه یکی از آنان را به دختر مژده دهند، چهره اش سیاه می شود. در حالی که خشم خود را فرو می خورد و از بدی آنچه بد و بشارت داده شده، از قبيله خود روی می پوشانند که آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد دآوری می کنند». (نحل: ۵۸ و ۵۹).

در آموزه های دین مبین اسلام، آموزش کودکان مهم نگاشته شده است. کودکان غنچه های نشکفته ی امروز و گل های زیبای فردا هستند. همه ی افراد جامعه در برابر آن همامسئول و موظفند و هرگونه مسامحه و غفلت در امر سرنوشت آنان منشاء خسارت جبران ناپذیری بر آینده جامعه اسلامی است. آموزش و پرورش کودکان از مسائل مهم و حیاتی جامعه ی اسلامی است. پدر و مادر، معلمین و مربیان، زمامداران همگی در باره ی زندگی کودکان مسؤوند مگر نه اینکه دانشمندان، مدیران و سربازهای آینده کشور همین کودکان امروزاند، پس هرکس در هر مقام و موقعیتی برای رشد و شکوفایی این استعدادها و حفظ و نگاهبانی این اندوخته ها باید کوششی پیگیر و تلاشی مخلصانه داشته باشد.

«خانواده، کودک و حقوق شهروندی»

خانواده اجتماع کوچکی است که کودک از بدو تولد پا به آن می گذارد و به عنوان عضوی از این اجتماع پذیرفته می شود. خانواده اولین گروه حامی کودک است. این حق کودک است که در خانواده ای شاد و سرشار از عشق و تفاهم زندگی کند.

نقش خانواده و به خصوص مراقبت در سالهای اولیه زندگی کودک تا آنجا دارای اهمیت است که بسیاری از ویژگی های شخصیتی کودک و احساسات و عواطف او از جمله احساس امنیت و یا شکل گیری شخصیت در این دوره و در ارتباط با نزدیک ترین افراد زندگی یعنی والدین شکل می گیرد.

خانواده امین ترین و سالم ترین کانون برای رشد کودک محسوب می شود، از این رو لازم است در چنین کانونی آموزش های اولیه برای هوشیاری کودکان در برابر حقوق شهروندی و خطرات بی توجهی به قانون ارائه شود. در این عرصه تأمین محصولات فرهنگی و خوراک فکری می تواند تأثیر بسزایی در آموزش های اولیه پیرامون حقوق شهروندی بگذارد.

در نتیجه اولین گام برای در نظر گرفتن کودکان به عنوان شهروندانی فعال و دارای حقوق و تکالیف، از درون خانواده و با ویژگی های خاص آن صورت می گیرد. مسلماً کودکانی که دارای والدین شاغل هستند شرایط متفاوتی با سایر کودکان دارند و یا کودکانی که والدین آنها در معرض بحران ها و صدمات اجتماعی و اقتصادی قرار دارند وضعیت متفاوتی نسبت به کودکانی که در شرایط آرام زندگی می کنند دارند. لذا به نظر می رسد اولین و اصلی ترین گام، آموزش خانواده و آگاه سازی آن از نقش با اهمیت خود در زمینه مسائل

کودکان است و به این ترتیب خانواده می تواند اولین مدرسه و والدین اولین مربیان کودک برای آموزش حقوق و تکالیف شهروندی باشند و یکی از راههای آموزش، آشنا کردن کودکان با کتاب از سنین پایین و حتی سنینی که سواد خواندن و نوشتن وجود ندارد باشد. لازم است در این سنین، کتابهای مصوری در اختیار کودکان برای آموزش حقوق شهروندی و رعایت قانون مداری قرار گیرد و محتوای کتاب ها با زبانی کودکانه توسط والدین و مربیان آموزش داده شود. همچنین باید در دوران ابتدایی چکیده ای از قوانین مرتبط با این حقوق در کتابهای درسی گنجانده شود تا کودکان از ابتدای دوران زندگی خود آشنایی مختصری با قوانین داشته باشند و خود را با چنین آموزشهایی برای زندگی اجتماعی و حضور در جامعه آماده نمایند.

اما مسلماً جامعه نیز وظایفی در خصوص حقوق شهروندی کودک دارا می باشند، چرا که کودکان عضوی از اجتماع بزرگ انسانی، جامعه، کودک و حقوق شهروندی در شهرها هستند. آنان شهروندانی خاموش هستند که به دلیل عدم شناخت موقعیت و جایگاه خود به شهروندان منفعل و بی پناه تبدیل می شوند و در این روند نیاز به حمایت و توجه بیشتر خواهند داشت.

توجه به مسائلی چون حمایت از خانواده ها یا کودکان آنها در شرایط بحران اقتصادی، فراهم کردن امکانات سلامت و ایمنی، پوشش همگانی بیمه کودکان - آموزش رایگان کودکان و تحت پوشش قرار دادن آنها ایجاد امکانات آموزش برای والدین و، بی شک نهادهای دیگری علاوه بر خانواده در تحقق حقوق کودک موثرند که مهم ترین آنها مدرسه و رسانه ها می باشند.

«مدرسه، کودک و حقوق شهروندی»

کودکان گلهای شکفته ای در زندگی هستند که برای قدم نهادن در زندگی اجتماعی، نیازمند آموزش هستند که یکی از آموزش های مهم و راهبردی برای کودکان حقوق شهروندی است. حقوقی که با دانستن آن می توان از بسیاری ناهنجاری ها، سوء استفاده ها و جرائم جلوگیری و جامعه ای قانون مدار تربیت کرد.

با توجه به اینکه آموزش در دوره کودکی بیش از دوره های دیگر نهادینه می شود و در عمق روح و جان کودکان اثر می گذارد لازم است برای کودکان نیز آموزش هایی در عرصه حقوق شهروندی و قانون مداری ارائه شود. چرا که کودکان در دوران کودکی خود با منابع مختلف آموزشی سروکار دارند.

یکی از مهمترین ویژگی های دوران کودکی، ماندگاری آموزش هایی است که به کودک داده می شود، لذا در ابتدای دوران کودکی، باید آموزش های لازم برای رعایت حقوق شهروندی در اختیار کودک قرار بگیرد و زبان کودکی به آنها آموخته شود.

احترام به دیگران، رعایت حقوق یکدیگر، خودداری از توهین و بی احترامی به شهروندان، رعایت ادب در کلام، محبت به سایر کودکان، توجه به افراد سالمند و از مواردی است که می توان به کودک آموزش داد و این مفاهیم را از سنین کودکی در آنان نهادینه ساخت.

بی گمان در سایه چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت ... مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است بلکه جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه های مختلف است. به عبارت دیگر مدرسه و نهادهایی همچون کانون پرورش فکری مکانی برای یادگیری حقوق و مسوولیت های شهروندی ست.

از این رو آنچه که می توان رسالت و فلسفه اصلی شکل گیری و توسعه ی مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان «مدرسه زندگی است» بنابراین مدرسه باید خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشد و در آن دانش آموزان در عرصه های مختلف نظیر اخلاق، حرفه، دین، سیاست، فرهنگ، علم و فناوری، خانواده، بهداشت، محیط زیست، ارتباطات و مانند آن به یادگیری بپردازد. این امر مستلزم پرداختن هر چه بیشتر، تربیت شهروندی و مهارت های زندگی در سطح خانواده، مدارس و اجتماع است. در این زمینه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که سابقه نیم قرن فعالیت فرهنگی در سطح کشور را دارد می تواند در کنار مدرسه و همراه و همگام با آن،

مقوله مهم "حقوق شهروندی" را باروش غیر مستقیم برای کودکان و نوجوانان تفهیم نماید که بی شک همسویی وهم گرایی کانون ومدرسه می تواند به این امر مهم کمک کند، اگرچه این ارتباط در سال های گذشته باطرح های کشوری همچون کانون ومدرسه وطرح پایه های سوم وششم که اختصاصا در استان گیلان به اجرا درآمده تداوم داشته ،اما در دور جدید ونگاهی که دولت مردان ومسئولین فرهنگی کشور علی الخصوص کانون وآموزش وپرورش دارند می توان مقوله مهم "حقوق شهروندی " از جمله "حقوق متقابل کودک واجتماع "رابیش از پیش جدی گرفت وازاین فرصت طلایی برای آموزش این عزیزان استفاده نمود. اما باید به خاطر داشته باشیم که کودکان امروز باکودکان دیروز بسیار متفاوت اند .کودک امروز در دنیای زندگی ماشینی ،باید از نقشی که درزندگی فردی واجتماعی دارد آشناسود ودرمقابل هم کسانی که در پرورش ورشد او نقش دارند این مولفه هارا بیشتر بشناسند و دراین زمینه، ضمن رعایت حقوق کودکان، آنها را به درستی درجاده زندگی رهنمون سازند. چرا که دیدگاه ونگرش بزرگسالانه ی ما ارتباط تنگاتنگی بامدیریت رفتارکودک دارد.ازاین رواعطای حقوق وامتیازات بنیادی واصلی درکنارتوجه به روانشناسی رشدکودکان ونوجوانان وآگاهی از نحوه ی تعامل باآنان وپرهیز از برچسب زدن وپیش داوری وحفظ روحیه مثبت وخوش بینی درهرشرایطی،نقش بسزایی درترغیب کودک به رفتار بهتر وحل مشکلات رفتاری اوداشته وارا درکسب مهارت های لازم یاری می کندوبه همین نظر باتوجه به رسالت اولیا،مربیان ومعلمان عزیز ، مهارت هایی که درموفقیت کودکان ونوجوانان نقش بسزایی داشته وآنها را به عنوان شهروندانی مطلوب قرارمیدهد دراین مقاله به شرح ذیل آورده می شود(1).

وترس از نقص داشتن ورزش چیزی است که فرد نمی تواند تلاش نکند، بعضی برنده می شوند و بعضی بازنده، اما هر دو گروه تلاش می کنند و تقریباً هیچ ورزشکاری تسلیم نمی شود و همیشه به تلاش خود ادامه می دهد. به این ترتیب می توان داستانهای مختلف از این گروه ها و گروه های دیگر که الهام بخش است را به کودکان بیان کرد. در خصوص تکالیف مدرسه هم همینطور، ممکن است کودک پس از تمام کردن ده صفحه تکالیف سخت، احساس لذت داشته باشند. به این ترتیب کودکان و نوجوانان نیاز دارند که بدانند تلاش، راه رسیدن به "موفقیت" است و موفقیت بزرگترین لذت زندگی است.

۴ - مسئولیت پذیری

آموزش مسئولیت پذیری به بچه ها؛ شامل پیدا کردن راههایی است تا به آنها کمک کنیم احساس "لیاقت" و شایستگی داشته باشند و بدانند چه چیزی درست است و به آنچه درست است عمل کنند. والدین الزاماً مانند فرشته ها پاک نیستند، اما بچه ها باید والدینی را ببینند که صادقند، به قوانین احترام می گذارند، کمربند ایمنی می بندند و....

فرزندان امروزی بیشتر در معرض تحریکات و جنایات قرار می گیرند پس باید آنها را مسئولیت پذیر بار آوریم. مسئولیت پذیری یک خیابان دوطرفه بین والدین و کودکان است، در نتیجه مهارت های زندگی فقط برای والدین نیست بلکه متعلق به کودکان نیز می باشد.

۵ - خلاقیت

همیشه خلاقیت با یک فکر جدید شروع می شود؛ اما این فکر به تنهایی کافی نیست برای اینکه آن فکر عملی شود باید کاری را انجام داد. خلاقیت پایه و اساس علوم را تشکیل می دهد و باعث ایجاد سوال در ذهن کودک شده و او را اودار می کند به دنبال پاسخ آن سوال برآید. پس در حقیقت می توان گفت که خلاقیت ذهن را باز و آماده برای تحقیق می کند. وقتی که زمینه خلاقیت فراهم شد فرقی نمی کند که کودک در کدام محیط قرار دارد، محیط خانه، محیط مدرسه، محیط بیرون... او کنجکاو است و به دنبال خلاقیت برخی از والدین که بیرون خانه کار می کنند، به ویژه پدران فکر میکنند برای جبران اوقاتی که نزد فرزندانشان نیستند، باید خود را فدا کنند، باید کارهایی مثل رفتن به پارک، باغ وحش و یا موزه و سینما انجام دهند. این طور نیست، فعالیتهایی مانند رفتن به خواربارفروشی، رفتن به بانک ارزش آموزشی بسیار بالایی دارد.

۶ - توجه به دیگران

در حقیقت "علاقه و توجه" جزء مهارتهای زندگی است، نه فقط به خاطر آنکه صفت خوبی است، بلکه از آن جهت که ما از دیگران چیزی یاد بگیریم و باعث می شود که دیگران به ما کمک کنند. علاقه انسانها را به پیوند می دهد و به ما فرزندمان "حس اجتماعی بودن" را هدیه میکند. به ویژه در این دوران که باید بدانیم که چگونه به دیگران توجه داشته باشیم. خانواده یک اجتماع کوچک است و کودک عضو این اجتماع، لذا کودک از زمان تولد درک میکند که او تنها شخص آن خانه نیست و نیاز دارد که توجه و علاقه به دیگران را یاد بگیرد و همین یادگیری و ممارست او تسری پیدا می کند به دوران دیگر زندگی و وقتی که او وارد جامعه بزرگتری همچون مدرسه و اجتماع می شود. و در این مقوله والدین و معلمان و مربیان می توانند به بچه ها در هر سنی توجه و علاقه را باروشی معنادار بیاموزند.

۷ - کارگروهی

امروزه زندگی رنگ دیگری به خود گرفته است. زندگی ماشینی بسیاری از کارها را به تکنولوژی روز سپرده و در این صورت خانواده ها باید به دنبال پیدا کردن کارهایی باشند که روحیه همکاری کودکان را بالا ببرد. دنیای کار گروهی وجود دارد؛ یکی زمانی که همه ی اعضای یک گروه در کنار هم یاد نزدیکی یکدیگر یک کار را با هم انجام می دهند و دیگری زمانی که هر کدام از اعضای یک کار را به عنوان بخشی از یک

کارگروهی انجام می دهند. در گذشته معمولاً کار از نوع اول انجام می شد و کارها را تقسیم میکردند. در این نوع کار، اعضاء همدیگر را نمی دیدند و همفکری و تبادل تجربه ای صورت نمی گرفت، اما در یک جابودن و باهم کارکردن ویژگی خاصی دارد، قبل اینکه بچه را به دنبال کاری بفرستید که به تنهایی انجام دهد، ابتدا از آنها بخواهید که با شما در کنار شما کار کنند. این به معنای آن نیست که مواظب آنها باشید، بلکه برای ایجاد روحیه و حس کارگروهی است و برای اینکه آنها ببینند شما کاری را باهم انجام دادید. چرا که باهم بودن نه تنها احساس تنهایی را از بین می برد بلکه اعضاء گروه از یکدیگر نیرو میگیرند.

به هر حال مقوله "شهروندی" از جمله مفاهیم نو پدید است که به طور ویژه به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقاء شهروندی و ایجاد جامعه ای بر اساس نظم و عدالت دارد. اسلام به عنوان یک دین فراگیر که به همه ابعاد زندگی بشر توجه نموده است، دستورات صریح و شفافی برای روابط اجتماعی انسان ها دارد و نه تنها به کمال معنوی انسان ها توجه نموده است بلکه به چگونگی ساختن جامعه ای نمونه نیز توجه دارد، از جمله مسائل مهم حقوق شهروندی در اسلام، توجه به کرامت انسانها به عنوان اشرف مخلوقات، ارزش حیات و زندگی افراد، برابری بدون توجه به نژاد، رنگ، پوست و ...

در این میان، کودکان شهروندانی هستند که در سکوت به زندگی می پردازند و با بسیاری از مسائل اجتماعی پیرامون خود نا آشنا هستند. بنابراین حمایت از حقوق این شهروندان کوچک و آموزش مسائل مربوط به زندگی آنها باید جزء اساس برنامه ها باشد.

منابع و ماخذ:

-
- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۹)، گفتارهایی در حقوق شهری و شهروندی، تهران: موسسه نشر شهر
 - بهشتی، احمد (۱۳۷۷)، اسلام و حقوق کودک، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم
 - حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۹۱)، حقوق تربیتی کودک در اسلام: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
 - حجازی زاده، سید محسن (۱۳۸۳)، گنج خانواده- انتشارات لاهوت
 - دروئی ریچ، ترجمه اکرم قیطاسی (۱۳۸۳)، مهارتهای اساسی زندگی در کودکان و نوجوانان- انتشارات صابرین
 - رضایی پور، آرزو (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی، نشر آریان.
 - ظریف جلالی، فاطمه (۱۳۸۹)، کودک و حقوق شهروندی: ماهنامه کودک، شماره ۶۶
 - وین دایر، ترجمه علی علی پناهی (۱۳۹۰)، چگونه فرزندان سالم و بانشاط داشته باشیم. انتشارات آسیم
- منابع دیگر:
- قرآن کریم
 - پیمان نامه حقوق کودک، دانشنامه ویکی پدیا، صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف)
 - حقوق شهروندی، امور حقوق عمومی، معاونت آموزش قوه قضائیه، انتشارات جنگل (۱۳۸۸)
 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران